

احترام دخترانم را نگه داشتم

روایت یک مادر دهه پنجاهی از ارتباط با دختران دهه هشتادی‌اش

● محیا جعفری در میان هیاهوی زندگی، مادر و دخترانی هستند که ارتباط بسیار صمیمی و قشنگی با هم دارند و از کنار هم بودن لذت می‌برند. مادر و دختر قصه ما هم جزو آن دسته از افرادی هستند که رابطه بسیار خوبی با هم دارند و ترفند‌هایی را برای حفظ صمیمیت به کار برده‌اند. در این پرونده از دهه هشتادی‌ها با مادری به گفت‌وگو نشستیم. این‌ها که هیچ‌وقت دخترانش را تحقیر و سرزنش نکرده و همیشه احترام دخترانش را نگه داشته است تا دخترانش از او هیچ‌گاه دور نشوند. امروز این مادر مهربان و فعال که از دختر بزرگش نوه دارد در کنار مادر بودن، یک مادر بزرگ شاد و پرانرژی هم است. به یک الگو ایده‌آل برای اطرافیان تبدیل شده است. همراه با آن‌ها می‌شویم و حرف‌های مادر و دختری‌شان را برایتان می‌نویسیم.

● مادر دهه پنجاهی، دختر دهه هشتادی

مادر: صدیقه جاوی مقدم، یک مادر دهه پنجاهی هستم که خداوند را شاکرم که به من سه دختر داده و البته بسیار دختر دوست هم هستم. دو تا از دختران من دهه هشتادی هستند و دختر کوچکم که به تازگی به سن تکلیف رسیده، دهه نودی است. افتخار می‌کنم که از لحاظ پوشش ظاهری دخترانم شبیه من هستند و همین پوشش من را آن‌ها هم انتخاب کرده‌اند. الان یک نوه دو ساله دارم که بسیار برایم شیرین است و هنگامی که با او بازی می‌کنم، من هم دو ساله می‌شوم. دختر بزرگم بیست سالش است و همانند یک خواهر و دوست صمیمی برایم است. دختر دومی من سیزده ساله است و باید او را این‌گونه توصیف کنم که بسیار آرام، منظم و دقیق است و برای هر کاری و هر چیزی برنامه ریزی دارد. دختر آخری ام دقیقاً کپی خودم است و یک کودک درون شاد و پرانرژی دارد که دنیای خیالی کودک‌اش خیلی برایم قشنگ است و هنگامی که با هم بازی می‌کنیم، حسابی خانه را روی سرمان می‌گذاریم.

تحصیلی من طراحی دوخت است و به شدت به رشته ام علاقه دارم و این را هم مدیون مادرم هستم. چون ایشان همیشه ما را تشویق به یادگیری یک مهارت خاصی می‌کردند که حتی شده از آن مهارت در خانه کسب درآمد کنیم. من هم از سنین پایین‌تر که مادر خیاطی می‌کردند و برای من و خواهرانم و اقوام لباس می‌دوختند، به این کار علاقه مند شدم و از همان

دختر: فرزانه میری هستم، بیست ساله است و الان یک پسر دو ساله دارم. خانه دار هستم و دانشگاه هم می‌روم که مادرم پسر مرا نگه داری می‌کند تا من بتوانم دانشگاه بروم. حدود ۲۵ سال اختلاف سنی با مادرم دارم، اما رابطه ما همانند رابطه دو خواهر است که همیشه مثل کوه پشت من بوده‌اند و تحت هر شرایطی از من حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. رشته

